



## بازی دو سر باخت مصر و عربستان در «تیران و صنافیر»

آنچه آتش خشم ملت مصر را در پی سفر سلمان بن عبدالعزيز به قاهره شعله ور کرد، اقدام ناگهانی عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور مصر در واگذاری دو جزیره صنافیر و تیران به عربستان بود.

به گزارش آران نیوز: سلمان بن عبدالعزيز پادشاه عربستان به همراه هیئتی چند صد نفره به مصر رفت و در پارلمان این کشور سخنرانی کرد. قطعا سفر پادشاه عربستان با درگیری های سوریه، عراق، یمن و بحرین مرتبط است. انگیزه های این سفر تا این اندازه قابل پیش بینی بود اما آنچه برای همگان غافلگیر کننده بود و همه تحلیلگران را متحیر و آتش خشم ملت مصر را شعله ور کرد، اقدام ناگهانی عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور مصر در واگذاری دو جزیره صنافیر و تیران به عربستان بود. این اقدام السیسی شاید در نگاه اول خوش خدمتی در مقابل عربستان باشد. چرا که ثروت عربستان برای السیسی که در چاه مشکلات اقتصادی به دام افتاده است می تواند نقش یک منجی را داشته باشد. به ویژه آنکه السیسی نتوانسته است در عرصه اقتصاد و کمک به اقتصاد بحران زده مصر کاری انجام دهد و توفیقی داشته باشد. اما نگاهی دقیق تر به این اقدام السیسی نشان می دهد که این اقدام ناگهانی و غافلگیرانه وی زوایای پنهانی دارد که به سمت دیگری هدفگیری شده است.

پیامدهای واگذاری جزایر صنافیر و تیران

جزایر صنافیر و تیران که در دهانه تنگه خلیج عقبه قرار دارند، علاوه بر اهمیتی که به لحاظ خاک و سرزمین دارند از نظر استراتژیک نیز در منطقه حساسی قرار گرفته اند. خلیج عقبه منطقه ای است که بندر ایلات در جنوب سرزمین های اشغالی در شمال آن قرار گرفته است. راه خروج از خلیج عقبه همین تنگه عقبه است. این میزان اهمیت این دو جزیره فقط به لحاظ جغرافیایی است اما پیوند مسائل روابط بین الملل و معاهدات تاریخی عرصه سیاسی مسئله را بسیار دگرگون و تا حدی متفاوت تر می کند.

براساس الحاقیه «ج» توافقنامه کمپ دیوید، هر گونه اقدام در این دو جزیره و محیط پیرامونی آنها منوط به اخذ موافقت اسرائیل است. بنابراین عربستان با حاکمیت به این دو جزیره هم توافقنامه کمپ دیوید را به رسمیت شناخت هم اینکه برای هر اقدامی به اخذ موافقت اسرائیل نیاز دارد و معنای این چیزی جز نیاز به ایجاد روابط رسمی نیست.

از سوی دیگر تنها مسیر مناسب برای کشتیرانی در تنگه خلیج عقبه بخش غربی جزیره تیران است. این منطقه تا زمانی که تحت حاکمیت مصر بود به دلیل نزدیکی به سواحل شرقی شبه جزیره سینا همگی جزء آب های مصر محسوب می شد اما وقتی تحت حاکمیت عربستان قرار گرفت منطقه قابل کشتیرانی به دلیل آنکه بسیار از سواحل تیران دور است در آب های بین المللی قرار خواهد گرفت، بنابراین تنها نقطه قابل کشتیرانی در تنگه خلیج عقبه جزء آب های بین المللی خواهد بود و تحت حاکمیت هیچ یک از دو کشور مصر و عربستان قرار نخواهد داشت. و این به این معنا است که ساخت پلی که وعده آن از سوی سعودی ها داده شده است در بخش غربی منوط به موافقت اسرائیل و اردن است. چرا که اردن و اسرائیل تنها طرفه هایی هستند که بعد از مصر و عربستان از این بخش استفاده می کنند، بنابراین نارضایتی آنها موجب عدم اجرایی شدن این پروژه خواهد بود.

نکته پایانی اینکه به دلیل توافقنامه کمپ دیوید و اینکه بخش قابل کشتیرانی آن جزء آب های آزاد قرار گرفته است هیچ یک از دو کشور مصر و عربستان نمی توانند در تنگه خلیج عقبه کشتیرانی کنند، زیرا این منطقه جزء آب های بین المللی است و تنها راه کشتیرانی در این منطقه کسب اجازه از شورای امنیت و قطعنامه این شورا است. ضمن آنکه به همین دلایل عربستان قادر نخواهد بود هیچ نیروی نظامی در دو جزیره نامبرده مستقر کند مگر آنکه این امر با هماهنگی با اسرائیل صورت پذیرد.

آگاهی صهیونیست ها

اخبار منتشر شده پس اقدام غافلگیرانه السیسی حکایت از آن داشت که وی پیش از حضور ملک سلمان در مصر با اسرائیلی ها مسئله را در میان گذاشته است و آنها از این مسئله باخبر بوده اند. نکته قابل توجه از این قرار است که صهیونیست ها با وجود آنکه مسئله را برای بررسی به کنست (پارلمان) و وزارت خارجه و دستگاه امنیتی خود برده اند اما گفته اند نیاز چندانی به بررسی نیست زیرا کشوری که حاکمیت این جزایر را به دست می آورد یعنی عربستان به توافقات پایبند است.

دستاوردهای این اقدام برای اسرائیل

1. عربستان بدون هیچ هزینه ای ذیل تعهدات توافقنامه کمپ دیوید قرار گرفت.
2. تنگه خلیج عقبه که تنها گذرگاه خروج از خلیج عقبه و تنها مسیر دریایی جنوبی اسرائیل بود از سیطره مصر خارج شد و با قرار گرفتن در آب های بین المللی در اختیار شورای امنیت قرار گرفت و به دلیل حضور همیشگی و حمایت همیشگی آمریکا از اسرائیل باید گفت در حقیقت تنگه خلیج عقبه در اختیار اسرائیل قرار دارد.
3. برقراری ارتباط عربستان با رژیم صهیونیستی نیاز به توجیهی رسمی داشت که با این اقدام مصر این بهانه فراهم شد.
4. با این انتقال مصر دیگر خطری بالقوه برای اسرائیل نخواهد بود زیرا دیگر سیطره ای بر این منطقه نخواهد داشت. تا زمانی که این دو جزیره از آن مصر بود عبور از این منطقه در اختیار این کشور بود و در زمانی که حاکمیت مصر با اسرائیل همراهی نمی کرد، مصر خطری جدی برای اسرائیل محسوب می شد و می توانست در این نقطه اسرائیل را تهدید کند.

5. با دادن این دو جزیره به عربستان با وجود دوستی ظاهری، یک دشمنی نهفته بین دو ملت مسلمان به وجود آمد که تا همیشه می تواند منشأ اختلاف باشد و در حقیقت این کینه و اختلاف بذری برای اختلاف افکنی در قرن های آینده است.

6. مصر و عربستان هر دو برای هر گونه فعالیت در این منطقه حساس و استراتژیک به اسرائیل و موافقت آن وابسته شدند.

7. تنها کشورهای مسلمان که در حال حاضر از آرامش برخوردارند و ثروتمند ترین کشور مسلمان یعنی عربستان که مدیریت حرمین شریفین را در اختیار دارد زیر یوغ اسرائیل قرار گرفتند. این نکته از آن جهت مهم است که در حال حاضر دو ارتش بزرگ عراق و سوریه دیگر توان چندانی برای مقابله با اسرائیل را ندارند و با این وضعیت مصر و عربستان علاوه بر آنکه دارای توافقنامه با اسرائیل هستند به نوعی وابسته به اسرائیل نیز شده اند.

نتیجه

دستاوردهایی که برای اسرائیل در این واگذاری بر شمرده شد نشان می دهد که این انتقال حاکمیت در راستای منافع ملی هیچ یک از دو طرف سعودی و مصری نیست و تمام منافع آن در اختیار اسرائیل است.

با وجود آنکه اخبار حکایت از این داشت که الیسی، اسرائیلی ها را در جریان امر قرار داده بود اما با نگاهی به نتایج و دستاوردهای برشمرده می توان گفت در حقیقت اقدام انجام شده، طرحی صهیونیستی است که به دست الیسی اجرا شده است و سفر سلمان و پروژه ایجاد پل ارتباطی یک خیمه شب بازی بیش نیست. عدم بررسی این طرح از سوی اسرائیلی ها دلیلی تام برای اثبات این مدعا است چرا که صهیونیست ها هیچ گاه بدون بررسی طرحی را نمی پذیرند و بررسی نکردن این طرح به معنای آن است که این طرح مورد تأیید آنها بوده است و نیازی به بررسی ندارد.